

رجحان تفریق نمازهای یومیه

این رساله مقاله‌ای است که حضرت آیه الله حاج سید محمد محسن
حسینی طهرانی قدس الله سره
درباره رجحان تفریق صلوات یومیه بر اساس مبانی حضرت علامه طهرانی
- رضوان الله علیه -

و بسیاری از عرفاء و علماء جلیل القدر به رشته تحریر درآوردند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و الصَّلَاةُ عَلَى خَاتَمِ رُسُلِهِ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ

و اللَّعْنَةُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ

بر ارباب معرفت و صاحبان بصیرت مخفی نماند که اهمّ فرائض و اوجِب وظائف، شناخت مبانی دین مبین و اتّباع سنن سیّد مرسلین علیه و علی آله افضل صلوات المصلّین به نحو اتمّ کما هو هو، می باشد و سلوک طریق کمال و وصول به ذروه فعلیّت و سداد را گزیری از این ممشی و منهج نمی باشد.

از جمله مواردی که به اتّفاق فریقین بر آن تأکید شده است رعایت اوقات صلوات یومیّه و اداء آنها در وقت مخصوص به خود می باشد. این مسئله قطعاً در زمان رسول اکرم و ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین از سنن مؤکده و معمول بها بوده است و اهل سنّت بر این مسأله تأکید و مداومت می نمایند؛ درحالی که مع الأسف نه تنها در بین شیعه متروک و مغفول است بلکه چه بسا منهی و مورد انکار و استغراب قرار گرفته، و بدعت شمرده می شود! درحالی که مکتب حقّ تشیع از همه فریق اولی و احقّ به متابعت از سنن اسلام و انقیاد در برابر احکام و دستورات شرع انور می باشد، تا جایی که این مطلب از طرف اخوان سنّت و جماعت به عنوان نقطه انحراف و انصراف از سنّت و عمل رسول الله تلقی گشته، موجب تعبیر و تنقیص مرام و ممشای پیروان اهل بیت عصمت و طهارت گردیده است؛ و آیه شریفه: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَآءَ وَآلًا حَسَنًا وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ اشاره به اهمیّت حیاتی و نیاز مبرم به این طریقه و روش می نماید.

آیات صریحه در متابعت از سنن نبی اکرم صلی الله علیه و آله و

سَلَّمَ

و همین طور آیه شریفه: ﴿وَرَحِمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكُتِبُهَا لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكًّا تَوْبًا عِنْدَهُمْ فِي النَّوْرِ رِئَاةً وَآلًا إِنجِيلَ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَى عَنْهُمُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَجْلُلُ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَىٰ هُمْ آلَ خَبِيثَاتٍ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَىٰ هُمْ فَأَلَّذِينَ ءَامَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَٰئِكَ هُمُ آلُ مَنفٍ لِّحُونَ﴾

در این آیات به طور اکید و صریح به متابعت از سنن نبی اکرم و اتباع از افعال و منهاج او سخن به میان آمده است.

بدین لحاظ، راقم سطور بر آن شده است تا در خصوص این مسئله که موجب تفرقه و تمایز بین فریقین به ناحق و به طور غیرمنطقی و اصولی گردیده است، مقاله‌ای به رشته تحریر درآورد تا موجب تذکر و تنبّه اخلاء روحانی و فضلاء - کثر الله أمثالهم - و آشنایی اخوان مؤمنین نسبت به این سنت مقطوعه و لا یتردد در فقه شیعه و عامه گردیده؛ باشد که با تغییر روش در اقامه صلوات یومیّه و اداء آن در اوقات مخصوصه خود تقریب به افق‌های مشترک و وحدت در مبانی و احکام متفق بین‌الفریقین حاصل، و بهانه از دست تفرقه‌افکنان و مخربین گرفته شود؛ و من الله التوفیق و علیه التکلان.

طرح مسئلهٔ اداء صلوات رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هم در کتب اهل سنت و هم در کتب سیرهٔ خاصهٔ با اختلافاتی آمده است. اما در کتب عامهٔ روایات در این مسئله بسیار است و ما فقط به ذکر برخی از آنها اکتفاء می‌کنیم.

احادیثی از عامهٔ راجع به ادای نمازهای پنج‌گانه در اوّل وقت آن

در سنن ابی داوود وارد است:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْخَزَاعِيُّ... عَنْ أُمِّ فَرْوَةَ قَالَتْ: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ (وآله) وَ سَلَّمَ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: الصَّلَاةُ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا.

«از رسول خدا سؤال شد کدام عمل نزد پروردگار افضل است؟ در پاسخ فرمود: «نماز در اوّل وقت خود.»»

و نیز سعید بن مسیب از اباقتاده بن ربیع روایت می‌کند که:

قال رسول الله صلى الله عليه (وآله) و سلم: قال الله تعالى: إِنِّي فَرَضْتُ عَلَى أُمَّتِكَ خَمْسَ صَلَوَاتٍ وَ عَهَدْتُ عِنْدِي عَهْدًا أَنَّهُ مَنْ جَاءَ يُحَافِظُ عَلَيْهِنَّ لَوْ قَتَلَتْهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ لَمْ يُحَافِظْ عَلَيْهِنَّ فَلَا عَهْدَ لَهُ عِنْدِي.

«از رسول خدا روایت شده است که خدای متعال خطاب به آن حضرت می‌فرماید:

من پنج نوبت نماز بر امت تو واجب گردانیدم و با خود عهد نمودم که اگر فردی از امت تو بر این پنج نماز در اوّل وقت خود محافظت و مواظبت نماید او را داخل بهشت بگردانم و کسی که بر این مسئله مواظبت ننماید هیچ تعهد و مسئولیتی را در قبال او نخواهم پذیرفت.»

نظیر این روایات در این کتاب و سایر کتب عامه نیز موجود است و نیازی به ذکر همهٔ آنها نیست، فقط از باب تأکید به یکی دیگر از آنها اکتفاء می‌شود.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الصَّامِتِ، عَنْ أَبِي ذَرٍّ قَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ (وآله) وَ سَلَّمَ: يَا أَبَا ذَرٍّ، كَيْفَ أَنْتَ إِذَا كَانَتْ عَلَيْكَ أَمْرًا يُمَيِّتُونَ الصَّلَاةَ؟ أَوْ قَالَ: يُؤَخَّرُونَ الصَّلَاةَ؟ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا تَأْمُرُنِي؟ قَالَ: صَلِّ الصَّلَاةَ لَوْ قَتَلَتْهَا فَإِنْ أَدْرَكَتْهَا مَعَهُمْ فَصَلِّهَا فَإِنَّهَا لَكَ نَافِلَةٌ.

«اباذر می‌گوید: رسول خدا به من فرمود: «ای اباذر، چگونه خواهی بود در وقتی که حاکمان وقت نماز را بمیرانند یا اینکه به تأخیر اندازند؟» عرض کردم: «شما چه می‌فرمایید؟» حضرت فرمود: «هرگاه وقت نماز شد آن را در اوّل وقتش به جای آور، پس اگر دیدی آنان نیز نماز را اقامه کردند به جای

نافله با آنان نیز نماز را اقامه نما!»

واضح است که این خطاب در حال تقيّه است، زیرا هیچ الزامی بر نماز پس از اداء آن نمی‌باشد؛ و یا اینکه ممکن است حتی در شرایط عادی به جهت رعایت جماعت بوده باشد.

و اما راجع به اوقات صلوات، تمام روایات بر این نکته دلالت دارند که: وقت نماز صبح اول فجر صادق، و نماز ظهر هنگام زوال شمس از وسط آسمان، و نماز عصر رسیدن سایه شاخص به اندازه خود او، و نماز مغرب استتار قرص خورشید از افق، و نماز عشاء از بین رفتن حمرة مغربیه در ناحیه مغرب می‌باشد.

روایاتی راجع به اوقات فضیلت صلواتِ خمس

مسلم بن ابراهیم از محمد بن عمرو روایت می‌کند که می‌گوید: از جابر بن عبدالله انصاری کیفیت نمازهای رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را سؤال نمودیم، گفت:

كَانَ يُصَلِّي الظُّهْرَ بِالْهَاجِرَةِ، وَ الْعَصْرَ وَ الشَّمْسُ حَيَّةً، وَ الْمَغْرَبَ إِذَا غَرَبَتِ الشَّمْسُ، وَ الْعِشَاءَ إِذَا كَثُرَ النَّاسُ عَجَلًا وَ إِذَا قَلَّوْا آخِرًا، وَ الصُّبْحَ بَعْلَسٍ.

«رسول خدا نماز ظهر را هنگام زوال خورشید به جای می‌آورد، و عصر را در وقت تالو قبل از میل به تیرگی، و مغرب را وقت استتار قرص خورشید، و عشاء را پس از مغرب وقتی که جمعیت در مسجد اجتماع کرده بودند به جای می‌آورد، و وقتی که افراد کم بودند به تأخیر می‌انداخت، و وقت نماز صبح رسول الله آخرین اوقات تاریکی شب یعنی طلوع فجر صادق بوده است.»

و اما راجع به کراهت تأخیر نماز مغرب احنف بن قیس از عباس عموی رسول خدا روایت می‌کند:

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ قَالَ: لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا لَمْ يَنْتَظِرُوا بِالْمَغْرِبِ اشْتِبَاكَ النُّجُومِ.

«رسول خدا فرمود: پیوسته امر امت من بر خیر و صلاح خواهد بود تا وقتی که برای اداء نماز مغرب ستارگان را در آسمان مشاهده نمایند.»

و راجع به وقت نماز عشاء نعمان بن بشیر روایت می‌کند:

وَ اللَّهُ إِنِّي لِأَعْلَمُ النَّاسَ بِوَقْتِ هَذِهِ الصَّلَاةِ يَعْنِي صَلَاةَ الْعِشَاءِ. كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ يُصَلِّيهَا لِسُقُوطِ الْقَمَرِ لِثَالِثِهِ.

«قسم به خدا من از تمامی این مردم به وقت فضیلت نماز عشاء آگاه‌ترم! رسول خدا پیوسته نماز عشاء را پس از گذشت ثلث از شب به جای می‌آورد.»

روایاتی راجع به فضیلت تأخیر نماز عشاء از زوال حمرة مغربیه

از بعضی روایات استفاده می‌شود حتی تأخیر نماز عشاء از زوال حمرة مغربیه نیز افضل است، چنانچه در روایت ابو عامر اشعری از ابو موسی آمده است:

قال: كُنْتُ أَنَا وَأَصْحَابِي الَّذِينَ قَدِمُوا مَعِيَ فِي السَّفِينَةِ نَزُولاً فِي بَقِيعِ بَطْحَانَ وَرَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ (وآله) وَسَلَّمَ بِالْمَدِينَةِ فَكَانَ يَتَنَوَّبُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ (وآله) وَسَلَّمَ عِنْدَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ كُلَّ لَيْلَةٍ نَفَرٌ مِنْهُمْ.

قال أبو موسى: فَوَافَقْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ (وآله) وَسَلَّمَ أَنَا وَأَصْحَابِي وَ لَهُ بَعْضُ الشَّغْلِ فِي أَمْرِهِ حَتَّى أَعْتَمَ بِالصَّلَاةِ حَتَّى ابْهَارَ اللَّيْلِ، ثُمَّ خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ (وآله) وَسَلَّمَ فَصَلَّى بِهِمْ؛ فَلَمَّا قَضَى صَلَاتَهُ قَالَ لِمَنْ حَضَرَهُ: عَلَى رَسُولِكُمْ أَعْلَمُكُمْ وَأَبْشُرُوا أَنَّ مِنْ نِعْمَةِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ لَيْسَ مِنَ النَّاسِ أَحَدٌ يُصَلِّي هَذِهِ السَّاعَةَ غَيْرُكُمْ، أَوْ قَالَ مَا صَلَّى هَذِهِ السَّاعَةَ أَحَدٌ غَيْرُكُمْ.

قال أبو موسى: فَرَجَعْنَا فَرَحِينَ بِمَا سَمِعْنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ (وآله) وَسَلَّمَ.

از این روایت استفاده می‌شود نماز عشاء رسول خدا حتی نزدیک به انتصاف لیل بوده است.

و نیز روایات دیگری از جمله روایت «أبابرزه» دلالت بر تأخیر نماز عشاء رسول خدا دارد؛ أبابرزه گوید:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ (وآله) وَسَلَّمَ اللَّهُ لَا يُبَالِي بَعْضَ تَأْخِيرِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ إِلَى نِصْفِ اللَّيْلِ وَكَانَ لَا يُجِبُّ النَّوْمَ قَبْلَهَا وَلَا الْحَدِيثَ بَعْدَهَا. قَالَ شُعْبَةُ: ثُمَّ لَقِيْتُهُ مَرَّةً أُخْرَى فَقَالَ: أَوْ ثُلُثُ اللَّيْلِ.

این روایت دلالت دارد که معمولاً نماز رسول خدا پس از گذشتن ثلث از شب انجام می‌پذیرفته است.

و در جمله این موارد، ذکری از جمع بین نماز ظهر و عصر و یا مغرب و عشاء توسط رسول خدا نشده است؛ بلی در بعضی از روایات آمده که وقتی مأمومین در مسجد زیاد بودند رسول خدا نماز عشاء را زودتر می‌خواندند، نه اینکه بین آن و نماز مغرب جمع نمایند.

سنت و سیره رسول خدا بر تفرقه و تقسیم نمازهای یومیّه به پنج

وقت فضیلت

از مجموعه روایات و تقریر سیره عامّه استفاده می‌شود که سنت و سیره

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در اداء نمازهای یومیّه بر تفرقه و تقسیم آنها به پنج وقت فضیلت خود بوده است و اگر گاهی جمع بین آنها می نمودند به ندرت و به واسطه عروض شرایط خاصی بوده است.

و اما تقریر مطلب از طریق روایات اهل بیت علیهم السّلام بدین صورت

است:

محمّد بن یحیی از اَبی بصیر از امام صادق علیه السّلام روایت می کند که

فرمود:

مَنْ صَلَّى فِي غَيْرِ وَقْتٍ فَلَا صَلَاةَ لَهُ.

«کسی که در غیر وقت نماز، آن را به جای آورد پذیرفته نخواهد شد.»

این روایت به وضوح دلالت دارد که نماز در غیر وقت فضیلت خود،

مورد رضای الهی نیست؛ زیرا کاملاً واضح است که مقصود امام علیه السّلام نماز

قبل از حلول وقت نیست، چون این مطلب از ضروری ترین مسائل است و

احتیاجی به تذکر و تنبّه ندارد؛ و اطلاق روایت، هر دو مورد تقدیم نماز و تأخیر آن

را از وقت فضیلت شامل می شود.

احادیثی از طریق اهل بیت علیهم السلام در باب اداء صلوات

خمسه در اول وقت آن

نیز روایتی در عیون الاخبار از امام رضا از پدرانشان از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که فرمودند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ ذَعْرًا مِنَ الْمُؤْمِنِ مَا حَافِظًا عَلَى مَوَاقِيتِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ فَإِذَا ضَيَّعَهُنَّ اجْتَرَأَ عَلَيْهِ فَأَدْخَلَهُ فِي الْعِظَائِمِ.

«رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: پیوسته شیطان از مؤمنی که نمازهای خود را در اوقات مخصوصه خود به جای آورد برکنار است، پس اگر در انجام آنها کوتاهی ورزید به او نزدیک شده و او را به گناهان کبیره وارد می نماید.»

روایت دیگر از شیخ طوسی از حسین بن سعید ... از امام صادق علیه السلام

است که فرمود:

لِكُلِّ صَلَاةٍ وَقْتَانِ وَ أَوَّلُ الْوَقْتَيْنِ أَفْضَلُهُمَا وَ لَا يَنْبَغِي تَأْخِيرُ ذَلِكَ عَمْدًا وَ لَكِنَّهُ وَقْتُ مَنْ شُغِلَ أَوْ نَسِيَ أَوْ سَهَا أَوْ نَامَ وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَجْعَلَ آخِرَ الْوَقْتَيْنِ وَقْتًا إِلَّا مِنْ عُذْرٍ أَوْ عِلَّةٍ.

«هر نمازی دو وقت دارد و بهترین از آن دو، وقت اول است و سزاوار نیست تأخیر نماز عمدتاً؛ و لکن خدای متعال برای افرادی که کار لازمی برایشان پیش آمده یا فراموش کرده اند یا سهو نموده اند و یا خواب آنان را باز داشته است و سعته داده تا بتوانند آن را انجام دهند؛ و کسی نمی تواند آخر وقت را در نظر آورد و نماز را در آخر وقت بخواند مگر به جهت عذری و یا گرفتاری و ناراحتی که مانع شود.»

و اما بعضی از روایات که دلالت بر دخول وقت هر دو نماز را در اول زوال و یا غروب خورشید دارند صرفاً به جهت کفایت و اجزاء نماز است، نه افضلیت و رجحان نماز دوم؛ مثل:

روایت صدوق

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ دَخَلَ الْوَقْتَانِ الظُّهْرُ وَ الْعَصْرُ فَإِذَا غَابَتِ الشَّمْسُ دَخَلَ الْوَقْتَانِ الْمَغْرِبُ وَ الْعِشَاءُ الْآخِرَةُ.

«امام باقر علیه السلام فرمودند: هنگام زوال خورشید وقت نماز ظهر و

عصر است و هنگام غروب آن وقت نماز مغرب و عشاء است.»
بنابراین این روایات منافاتی با روایاتی که دلالت بر فضیلت نماز در اوّل
وقت هر کدام به خصوص است ندارد.

ترجیح اقامه نماز در اول وقت، نسبت به وقت مشترک

بناءً علی هذا طبق روایات و سنن مأثوره از کتب اهل سنت و نیز احادیث وارده از ائمه معصومین علیهم السلام شکی باقی نمی ماند خواندن نماز در اول وقت هر کدام قطعاً افضل از وقت مشترک بین آن دو می باشد، و جمیع فقهاء - رضوان الله علیهم - بر این مطلب در کتب خود اقرار و اعتراف نموده اند.

بلی در صورت اداء آن در وقت مشترک مجزی و کفایت از وجوب خواهد کرد، لیکن مسئله اینجاست چرا و به چه علت این سنت مسلمة از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و در طول تاریخ حیات ائمه معصومین علیهم السلام از میان جماعت شیعه رخت بر بسته و به کلی نسیاً منسیاً گشته به نحوی که اگر فردی بخواهد به این سنت عمل کند فعل او خلاف سیره مستمره و عادت متعارفه تلقی گشته و چه بسا مورد اتهام و تاسی به اهل سنت و جماعت واقع گردد؟! ولی در میان عامه به طور متقن و محکم رائج و دارج می باشد، و خود این مسئله موجب طعن و ایراد بر مذهب و مکتب حق اهل بیت علیهم السلام گردد؟! آیا نباید برای این مسئله فکر و چاره ای اندیشید و سنن متداوله معموله لایبها در شیعه منطبق بر موازین حقّه و منزله من عند الله و معموله نزد اهل بیت عصمت و لواداران شریعت محمدیه قرار گیرد؟

امید است به لطف و عنایت پروردگار توفیق قیام به سنن قطعیه و تاسی به منهج و ممشای لواداران مکتب تشیع شامل همه شیعیان و پیروان اهل بیت علیهم السلام گردد. آمین.

جمعه ۲۵ جمادی الثانی ۱۴۲۷ قم المقدسه

سید محمد محسن حسینی طهرانی